

آرمان مسلمان‌زیستن در دنیای مدرن



مهرداد عباسی

عضو هیات علمی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی

فضل‌الرحمان (۱۹۸۸-۱۹۱۹)، محقق و اندیشمند مسلمان پاکستانی، را یکی از اصیل‌ترین و روش‌مندترین نواندیشان دینی در قرن بیستم دانسته‌اند. اگرچه او آثار تحقیقی مهمی درباره فلسفه ابن‌سینا، ملاصدرا و میرداماد نوشته است، شهرت او در میان اسلام‌شناسان بیشتر به سبب نوشته‌ها و تلاش‌هایش در باب رفع مسأله تقابل اسلام و مدرنیته است. محور اندیشه فضل‌الرحمان از آن زمان که به جرگه نواندیشان دینی پیوست قرآن بود و دغدغه‌اش روش فهم و تفسیر آن در دنیای مدرن. حضور در دو فضای متفاوت جهان اسلام و دنیای غرب و رفت‌وآمد میان آنها که گاه از سر اجبار و گاه به اختیار خودش بود زندگی دراماتیکی را برای فضل‌الرحمان رقم زد. عمده آثار او از یک‌سوی تلاش بود برای حل مسأله‌های وجودی و ذهن و جان خودش که در آموخته‌های پیشینش تردید کرده بود، و از سوی دیگر، کوششی بود برای رفع مسأله تقابل آموزه‌های سنتی اسلام و دستاوردهای دنیای جدید که مهم‌ترین مسأله اجتماعی و فرهنگی مسلمانان هم‌عصرش به شمار می‌آمد. در مجال پیش رو، ضمن بررسی اجملی زندگی فضل‌الرحمان، به مهم‌ترین دیدگاه‌های او در بازاندیشی سنت اسلامی خواهیم پرداخت. فضل‌الرحمان در ۱۹۱۹ در شبه‌قاره هند به دنیا آمد. پدرش عالمی دثوبندی بود و بر خلاف اغلب علمای آن دوره، با آموختن علوم جدید و همزیستی با تجدد مخالفتی نداشت. در کودکی حافظ کل قرآن شد، و در نوجوانی علوم دینی را نزد پدرش فراگرفت و سپس تا مقطع فوق لیسانس در رشته ادبیات عرب در دانشگاه تحصیل کرد. در ۱۹۵۰ مدرک دکتری فلسفه‌اش را درباره ابن‌سینا از دانشگاه آکسفورد گرفت، و سپس به مدت هشت سال در دانشگاه دورهام تدریس کرد. در ۱۹۵۸ به کانادا رفت و در دانشگاه مک‌گیل به رتبه دانشیاری ارتقا یافت. در همین زمان، ژنرال ایوب‌خان، رئیس‌جمهور وقت پاکستان، از فضل‌الرحمان دعوت کرد تا به پاکستان بازگردد و ریاست «مؤسسه تحقیقات اسلامی» کراچی را بپذیرد. این مؤسسه را خود ایوب‌خان تأسیس کرده بود تا راهنمای دولت در اعمال سیاست‌های دینی و پشتوانه‌های فکری برای برنامه مدرنیزاسیون باشد. فضل‌الرحمان پذیرفت و به زادگاه خود بازگشت و در ۱۹۶۲ در ریاست این مؤسسه منصوب شد. اما اوضاع پاکستان به گونه‌ای پیش رفت که این مقطع جنجالی‌ترین دوره زندگی او شد. کار فکری فضل‌الرحمان در این سال‌ها که بنا بود در خدمت اصلاحات اجتماعی پاکستان باشد، با واقعیت‌های پیچیده سیاسی و اجتماعی مربوط به دین و جامعه در پاکستان آن زمانه گره خورد. احزاب و گروه‌های دینی مخالف ایوب‌خان برای مقابله با برنامه‌های اصلاحی حکومت، معمار فکری این برنامه‌ها یعنی فضل‌الرحمان را نشانه رفتند و به‌رغم حمایت‌های رئیس‌جمهور از او و مؤسسه‌اش، وخامت اوضاع علیه فضل‌الرحمان به حدی رسید که زندگی او به خطر افتاد. سرانجام، فضل‌الرحمان در ۱۹۶۸ در پی آشوب و اغتشاشی عظیم که بر ضد او به راه افتاد، ناگزیر از ریاست مؤسسه استعفا داد و در نهایت پاکستان را به قصد آمریکا ترک کرد. وی بیست سال پایانی عمرش را به‌عنوان استاد اندیشه اسلامی در دانشگاه شیکاگو سپری کرد و سرانجام در ۱۹۸۸ در هفتادسالگی درگذشت.

دغدغه‌های اصلاح‌گرایانه فضل‌الرحمان از حدود سی‌سالگی او و از زمانی آغاز شد که وی به‌سبب مطالعه آثار متعدد فلسفی و اقامت طولانی در غرب دچار تردید نسبت به اعتقادات سنتی‌اش شد. او سپس به این دریافت رسید که انحطاط جوامع اسلامی در دوره معاصر بدان سبب است که جهان‌بینی حاکم بر میراث فکری مسلمانان از اسلام اصیل و اصول کلی قرآن فاصله گرفته است. بدین ترتیب، توجه فضل‌الرحمان به ماهیت قرآن و فرایند فهم و تفسیر آن معطوف شد. او با تأکید بر این نکته که در سراسر سنت اسلامی قرآن همواره از رهگذر فهم مفسران آموخته شده است، از طریق بازخوانی قرآن در کنار سیره پیامبر و تاریخ عصر نزول به سوی درکی جدید از معنا و مراد قرآن گام برداشت. به نظر او، در دوره معاصر بنیادگرایان سکولارها و محافظه‌کاران سنتی همگی به یک میزان بر خطا بوده‌اند و هیچ‌یک در فهم قرآن و اجرای اسلام توفیقی نداشتند. در نتیجه، فضل‌الرحمان در پی پاسخ به این دو پرسش مهم هرمنوتیکی رفت که جلودانگی پیام قرآن چگونه با تاریخ‌مندی نزول آن قابل جمع است و این پیام جلودانه برای مسلمانان امروز چه معنایی دارد.

در قرآن‌شناسی فضل‌الرحمان عنصر تاریخ‌نقشی اساسی دارد. شاید بتوان نخستین گام فضل‌الرحمان را در برنامه فکری‌اش بازاندیشی ماهیت وحی دانست. او از یک سو می‌گفت که تبیین فلسفی وحی در سنت اسلامی یکسره یونانی است و فیلسوفان مسلمان با وام‌گیری اندیشه‌های یونانی کوشیده‌اند تصویری اسلامی شده از ماهیت وحی به‌دست دهند و از دیگر سو، به نقد نظریه «هلاء وحی» می‌پرداخت و از دیدگاه ارتدوکسی اسلامی در این باب به‌شدت انتقاد می‌کرد. در تصویری که

فضل‌الرحمان از وحی قرآنی به دست می‌دهد دو عنصر اساسی بسیار پررنگ و برجسته می‌نماید: توجه به جنبه روانشناختی شخصیت پیامبر و تأکید بر بافت تاریخی نزول قرآن. منشأ وحی از نگاه او فرآیندی خلاقانه در ذهن پیامبر است که، همچون انواع دیگر الهام، حاصل ارتباطی ارگانیک میان احساس و اندیشه و گفتار است و البته با انواع دیگر الهام تفاوتی اساسی دارد. مهم‌تر اینکه توقعات، نگرانی‌ها، دغدغه‌ها و علایق پیامبر و جامعه او در قرآن بازتاب یافته و فرآیند نزول قرآن نه یکجا بلکه در دوره‌ای قریب به بیست و سه سال ادامه داشته است. به باور فضل‌الرحمان، تصور گسست میان وحی و بافت تاریخی و اجتماعی آن بعدها در کلام و فقه اسلامی تأثیر گذاشته و پیامد طبیعی این تصور در فقه اسلامی به این باور انجامیده است که مضامین حقوقی و اجتماعی قرآن هیچ‌گونه محدودیت تاریخی ندارند و در همه زمان‌ها و مکان‌ها قابل اجرایند.

فضل‌الرحمان اصلاح جوامع اسلامی در دوره جدید را مروه بازگشت به قرآن می‌دانست و برنامه اصلی‌اش آن بود تا نظامی اخلاقی و حقوقی متناسب با دنیای جدید بر محور قرآن بنا کند. او می‌خواست منظومه‌ای اخلاقی بر مبنای قرآن شکل دهد تا بر اساس آن فقه و حقوق اسلامی نیز صورتی نوین بیابد. او اگرچه برخی مصلحان پیش از خود را می‌ستود و دغدغه‌های‌شان را محترم می‌شمرد، از همت‌شان به علت نداشتن «روش» انتقاد می‌کرد. او تفسیر سنتی قرآن را برای زندگی مسلمانان در دنیای جدید ناکارآمد می‌دانست و معتقد بود که مسلمانان به قدر کافی به مسأله روش تفسیر قرآن نپرداخته‌اند و از این‌رو، بیشتر توان فکری خود را مصرف عرضه روشی جدید کرد. بر مبنای طرح پیشنهادی فضل‌الرحمان که به نظریه «وحرکتی» یا «حرکت دوسویه» مشهور است، برای تفسیر مفاهیم و مضامین قرآنی در روزگار جدید باید دو حرکت انجام داد. در حرکت نخست، با مطالعه بافت تاریخی قرآن و اوضاع زمانه نزول وحی حکمت‌های واقع در پس مضامین اخلاقی و فقهی قرآن نظیر عدالت، برابری و آزادی به دست می‌آید که همان اهداف تعالیم قرآنی در جامعه و مبنای اصول عمومی قرآن است. در حرکت دوم، این اصول عمومی مبنای طرح‌ریزی قوانین متناسب با دوره جدید قرار می‌گیرد. بدیهی است که برای تحقق این نظریه هم پای علمای سنتی به میان می‌آید و هم متخصصان علوم جدید.

فضل‌الرحمان بیش از ده کتاب و دهها مقاله به زبان انگلیسی نوشت که عمده آنها به بازاندیشی در برخی مفاهیم اساسی و بازنگری در برخی احکام و قوانین اسلامی - از حقوق زنان و خانواده گرفته تا قوانین بانکداری و ذبح حیوانات - اختصاص داشت. در این نوشته‌ها او می‌کوشید تا برای تفسیر مضامین اخلاقی-حقوقی قرآن در دوره مدرن چارچوبی جایگزین عرضه کند. او که قرآن را کتاب راهنمای اخلاقی و نه منبع فقه و احکام می‌دانست، معتقد بود که امروزه نمی‌توان آیات قرآن را جزء به جزء در جوامع اسلامی به اجرا درآورد، زیرا این امر ممکن است خود مانع تحقق اهداف قرآن و معارض با اصول عمومی اخلاقی آن شود. به باور او، این اصول عمومی قرآن تنها از طریق نقد تاریخی فقه و سنت نبوی و حتی خود قرآن قابل استنباط است. خود او نیک می‌دانست که این رهیافت با مخالفت علمای سنتی و حتی برخی نوگرایان مواجه می‌شود، اما پیش‌بینی‌اش آن بود که در دهه‌های آینده عده بیشتری از آزاداندیشان به چنین دیدگاهی متمایل خواهند شد.

فضل‌الرحمان هم در تدریس و پژوهش توفیق داشت و هم نگران سرنوشت مردم سرزمینش بود. او به مجرد دعوت ایوب‌خان زندگی توأم با آرامش و رفاه در دانشگاهی غربی را ترک گفت و ناخواسته وارد نزاع‌های سیاسی و اجتماعی کشور خودش شد. اما ظاهراً او برای این کار ساخته نشده بود. در سال‌های ریاست او بر مؤسسه تحقیقات اسلامی شخصیت و برنامه فکری او، که با آرمان‌گرایی و نوعی ساده‌انگاری همراه بود، در نزاع میان نهادهای دینی و ایوب‌خان بر سر قدرت قربانی شد. شاید به سبب همین تجربه تلخ بود که در نهایت فضای تحقیق و تدریس دانشگاه را برای ادامه حیات فکری‌اش انتخاب کرد. فضل‌الرحمان در دوران حضور بیست‌ساله‌اش در دانشگاه شیکاگو، علاوه بر تألیفات متعدد، دانشجویمان زیادی را، هم از جهان اسلام و هم از دنیای غرب تربیت کرد و از این طریق، از یک سو، اندیشه‌های او به کشورهای اسلامی رفت و امتداد یافت، و از دیگر سو، تبیینی جدید از اسلام در ایالات متحده معرفی شد که طرفداران فرهیخته فراوانی پیدا کرد. اگر چه رویکرد فضل‌الرحمان به قرآن و اساساً نگاه اصلاح‌گرایانه او، هم از جانب علمای مسلمان سنتی و هم از جانب اسلام‌پژوهان غربی، با انتقادهایی جدی مواجه شده، در مجموع، رهیافت او به اسلام یکی از اصیل‌ترین، جسورانه‌ترین و نظام‌مندترین رویکردها در سده گذشته بوده است. فارغ از ارزش‌های دوری درباره صحت و سقم نوشته‌های فضل‌الرحمان، می‌توان گفت که زندگی او، به‌ویژه در نیمه دوم عمرش، در پیوند مستقیم با تکاپوهای فکری‌اش بوده و او اندیشه‌هایش را زیسته است. آرمان او عرضه تعریفی جدید برای مسلمان‌زیستن در دنیای مدرن بود که هم می‌کوشید خود بدان پای‌بند باشد و هم آن را برای دیگران تبیین کند. در دو، سه دهه اخیر، رهیافت‌ها و دیدگاه‌هایی کم‌وبیش مشابه با فضل‌الرحمان در میان نویسندگان و محققان ایرانی یافت می‌شود که شاید از نوشته‌های او مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر پذیرفته باشند. ■